

حکمت قصیری

سوره مبارکه

یس (۲۰)

افئاسل زدرین تفسیر مجرم حجۃ الاسلام اسفا

ان اصحاب الجنة اليوم في شغل فاكهون . هم وازواجهم في ظلال علي الارائك متكثون . لهم فيها فاكهة ولهم ما يدعون سلام قولاً من رب رحيم . وامتازوا اليوم ايها المجرمون

اهل بهشت آنروز بسرگرمی شیرین کامند آنان و همسرانشان در سایه برتختها تکیه زده اند . برای آنان میوه و هر چه بخواهند مهیاست و برای آنان درودی از گفتار پروردگار رحیم است. ای تبہکاران در این روز از هم (از نیکان) جدا شوید (ترجمه)

در آیه قبل بیان شد که روز قیامت روزیست که بیچسبگی و بیچگونگی ستمی نمیشود و خود اعمال پاداش خواهند بود، حال که چنین است نیکوکاران که در دنیا افعال نیک داشته اند در آنروز مسرور و شادمان و عده ای بدکاره و زشت خو سرافکننده و شرمسار خواهند بود .

در آیات فوق خداوند بشرح حال این دو دسته پرداخته در حالتیکه ابتداء از نیکوکاران سخن میگوید چشمتن کیفرا ما یعدن و مطالعات فرہنگی

یاران بهشت یعنی آنانکه دارای دلی روشن هستند و بر آئینه قلبشان غبار پستی و زشتی ننشسته و روحشان از آرایش مادیت و دلشان از علائق طبیعت پاک و منزہ است در شغلای شیرین و بی تعب و رنجی بسر میبرند، در کارند، اما کاری زحمت و در عین حال شیرین . زیرا رنج و تعب برای وصول بمادیات است . هر چیزیکه بواسطه مادیات فاقد کمال باشد تحصیل آن مستوجب رنج و تعب است و پس از وصول ، بهره برداری از آن نیز مستلزم زحمت و مشقت . بهر اندازه که مادیت قویتر رنج و تعب نیز بیشتر بالعکس هر قدر مادیت ضعیف و قسوی عقیده قوت یابد رنج و تعب کمتر خواهد بود زیرا ضعف مادیت و قوت روحانیت باعث احاطه بکمال و لذات او است و در صورت احاطه دیگر زحمتی وجود نخواهد داشت .

بهره برداری از طب برای جاهل، مایه زحمت و رنج است لیکن آنکس که علم طب در سینه دارد بهره برداری از این علم برای او بدون زحمت خواهد بود همچنان نفس وسیع کامل و روح قوی، هر کمال ولدنی که بخواهد در خود خواهد یافت بدون رنج طلب و یارنج التذاذ، لیکن مادی چون فاقه که آن است لذت طلبش چهار رنج و زحمت خواهد بود و اگر هم بآن برسد چون التذاذ بلذت مادیت است باز دچار تعب و مشقت خواهد گشت.

یاران بهشت که از جمیع آرایش مادیت بدور و سراپا روحانیت محض هستند آنچه بخواهند در خود یابند و خود را بدان مثلذ بیینند

(هم و از واجهم) برای بیان راحتی و استراحت اهل بهشت خداوند میفرماید یاران بهشت با همسران خویش از اخلاق حسنه و ملکات فاضله که بهترین جفت و یار آنانند و با حوران بهشتی که آرام دل و راحت جانند در زیر سایه های لطیف بر سریرها و تختهایی که روپوش حریر و زیبا بر روی آنها کشیده شده (چنین تختی را اریکه گویند) لم داده و تکیه نموده اند «ایسن تعبیر نهایت آسایش را میرساند مخصوصاً وقتی بجمله بعد نیز ضمیمه شود»

(لهم فیها فاکهة) : برای یاران بهشت میوه های تازه و تر، که هیچوقت کهنه و پوسیده نشود آماده است (همانطور که نشاء آخرت باقی است مطمومات و مشروبات نیز موافق همان نشاء باقی و پایدار خواهد بود و همانطور که نشاء آخرت مجرد از مادیات است میوه های او نیز چنین باید باشد)

(ولهم ما یدعون) هر آنچه که بخواهند در وجود خود آنها موجود شود زیرا هر چه بخواهند از آن کنند او را در خود یابند.

(سلام قولامن رب رحیم) این راحتی و آسایش بر اثر تربیت و پرورش است که یاران بهشت یافته اند و چون دستگاہ پروردگاری از راه رحمت و رأفت آنانرا پرورده سازد آنست که سلام و سازگار باد نیز از همان صقع ربوبیت و رحمت که حاکی از جهت رحمانیت است صادر و باهل بهشت برسد.

دو لطیفه شیرین در این جمله نهفته است یکی استحقاق اهل بهشت جمله (گوآرا و سازگار باد) را زیرا بر اثر پاک و منزه بودن مستحق آنند که بآنان گفته شود نوش و گوآرا باد این التذاذ. دیگر آنکه این سازگار باد حاکی از صقع ربوبیت و رحمت است یعنی حاکی از سر آنکسی است که آنانرا پرورده و بآنان نظر رحمت دارد چون پدری که از روی مهر بانی و رحمت بفرزند تربیت یافته ای که ثمره تربیتها را می بیند بگوید ای فرزند نوش جان باد. گوآرا باد اجنبی را حمل بر تعارف میتوان نمود اما سازگار باد پدر، حاکی از رحمت و رأفت است و شاید سراینکه سازگار باد خدائی با کلمه قولاً بیان شده همین باشد زیرا قول بمعنی ←

حکایت است .

(وامتاز و الیوم) مسلم است که در چنین روزی مجرم و مطیع در يك ردیف نخواهند بود زیرا جهان آخرت مانند نشأه دنیا نیست که حقیقت خوب و سر بره زشت در برده های سادیت و حجاب اعتبارات مستورماند و هر دو طایفه در يك ردیف باشند بلکه باید از هم جدا شوند گویا اینکه همیشه فرمان دور باش از ذات اقدس پروردگار نسبت بخائنین و مجرمین صادر است ولی در آخرت علامت تیز میان مجرم و مطیع خواهد بود .

این خطاب و نظایر آن نه فقط برای حکایت است بلکه ضمناً تحریکی است تا مجرمین بطاعت خدا روی آورند و کاری نکنند که آثار جرم برایشانی آنها موجود گردد و قابلیت وره د به محضر خداوند رحیم را نداشته باشند و از نزد پاکدامنان رانده شوند . اگر پدر بفرزند بی تربیتش بگوید دور باش مقصودش این نیست که بطور کلی این فرزند دور گردد بلکه مقصود تادیب است تا نافرمانی و طغیان را از خود دور کند و صاحب معرفت شود و قابل آن باشد که به محضر پدر وارد گردد .

مجرمین نیز باید بکوشند تا لکه تنگ از دامشان شسته شود و بالتیجه بقرب خداوندی واصل و با پرهیزکاران در يك صف قرار گیرند .

مطالعه مجلات دینی

مکتب اسلام، مجموعه حکمت

و روزنامه های دینی طلوع اسلام،

ندای حق، وظیفه بر هر مسلمان

فرهنگ دوست و مبارز لازم است